



تجربه ۲۲ ساعه آموزش روزنامه‌نگاری یا به عبارت عامتر آموزش علوم ارتباطات در ایران باید امروز معیارهای لازم را به ما داده باشد. تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم ارتباطات در این ۲۲ سال، حدود یک هزار نفر برآورد شده است که تنها ۶۰ نفر از آنان در مطبوعات مشغول کار هستند و ۹۴۰ نفر بقیه به مشاغل غیرمطبوعاتی اشتغال دارند.^۱

مسئلاً دلایل بسیار متفاوتی برای اشتغال ۹۴۰ نفر فارغ‌التحصیل علوم ارتباطات در حرفه‌های غیرمطبوعاتی وجود دارد و یا حتی برای عدم اشتغال آنان. اما بدون شک نداشتن علاقه لازم به این رشته و یا دقیقتر بگوییم: «انتخاب اتفاقی» یا از «سرناجاری» از سوی بعضی دانشجویان، می‌تواند دلیلی برای این امر باشد.

در تحقیقی که دکتر محسنیان‌راد انجام داده است.^۲ برخی از دلایل عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم ارتباطات در مطبوعات به این شکل بیان شده است: وجود مشکلات عدیده در قسمت استخدامی و دروسهای تعهد و گزینش، پایین بودن دستمزدها، وابستگی مطبوعات به ارگانهای دولتی، شرایط دشوار استخدام، حفظ سابقه خدمت در حرفه‌ای که قبلاً داشته‌اند، نامناسب بودن شغل روزنامه‌نگاری و پیدا نکردن شغل مطبوعاتی. عده‌ای نیز گفته‌اند که تحصیل آنان در رشته علوم ارتباطات صرفاً برحسب امتیازات کسب‌شده در کنکور بوده و در واقع گزینشی به این حرفه نداشته‌اند.

بحث ما هم بیشتر به همین دلیل پایانی، مربوط می‌شود - یعنی دانشجویانی که بدون هیچ گزینشی به این حرفه، تنها به خاطر حضور در دانشگاه، این رشته را برگزیده‌اند - و البته بر این باوریم که بسیاری دیگر از فارغ‌التحصیلان که دلایل دیگری برای عدم اشتغال خود در حرفه‌های مطبوعاتی ذکر کرده‌اند، اگر علاقه بیشتری و زمینه قویتری می‌داشتند، سعی می‌کردند تا با فایده‌آمدن بر بخشی از مشکلات، امکان کار مطبوعاتی را برای خود فراهم کنند.

اغلب دست‌اندرکاران مطبوعات بر این باورند که روزنامه‌نگاری کاری دشوار، ظریف، تعیین‌کننده و خاص است که نیاز به داوطلبانی با خصوصیات روانی و جسمی ویژه دارد که گرچه برخی از این خصوصیات می‌توانند در طول دوره حرفه‌ای شکل بگیرند، اما حتماً باید

انتخاب دانشجوی روزنامه‌نگاری آزمون ویژه می‌خواهد

لیلا رستگار

می‌توان آموخت سبکهای خبرنگاری را: هرم وارونه، بیان تاریخی، بیان تاریخی همراه با «لیده»، بازگشت به عقب، تشریح و...

می‌شود در کلاسهای روزنامه‌نگاری این نکته بدیهی را یاد گرفت که پیش از انجام هر مصاحبه باید اطلاعات کافی درباره موضوع مصاحبه و مصاحبه‌شونده داشت. اما آیا می‌توان فراگرفت که چگونه باید در پیکر بی‌جان یک مصاحبه (حتی خیلی منظم و شسته و رفته) روح نازکی و شادابی دمید؟ در کلاسهای آموزشی سخن گفتن از چگونگی تهیه گزارش امکان‌پذیر است اما آیا می‌توان آموخت که واژه واژه یک گزارش را چگونه باید عاشقانه انتخاب کرد تا بیشترین و عمیقترین تأثیرها را در ذهن و روان مخاطب ایجاد کند؟

آیا چگونه درست داشتن مخاطب ناآشنا را هم می‌شود از استاد فراگرفت؟
آیا حسی هم که باید در کلام روزنامه‌نگار جاری باشد آموختنی است؟ حسی که از زیباترین؛ پاکترین و والاترین ویژگیهای انسانی یعنی ذوق سرچشمه می‌گیرد؟

عشق به روزنامه‌نگاری را هم می‌توان مثل فارسی و خبرنگاری و تجزیه و تحلیل محتوا، پشت میز و صندلیهای دانشکده آموخت؟ عشق «روزنامه‌نگار» را فقط «مخاطب» می‌داند و بس، عشق به روزنامه‌نگاری را فقط خود او.

خیال نداریم بحثهای کهنه ژنتیک و اکتساب را پیش بکشیم. اصلاً ادعا نداریم که ژن روزنامه‌نگاری باید همراه DNA فرد باشد. اصلاً نمی‌خواهیم بر این اعتقاد صحه بگذاریم که روزنامه‌نگار از مادر چنین متولد می‌شود، اما می‌توانیم بپرسیم که وقتی که ظرفیت پذیرش تنها ۲۰ یا ۲۵ دانشجو را در کلاسهای دانشکده روزنامه‌نگاریمان داریم، چگونه دانشجویی را با چه روشی باید گزینش کنیم تا بتوانیم روزنامه‌نگار تربیت کنیم.



■ طی ۲۲ سال، یکهزار نفر در رشته‌های مختلف علوم ارتباطات فارغ‌التحصیل شده‌اند که فقط ۶۰ نفر از آنان در مطبوعات مشغول کار هستند.



زمینه‌ای در خود داوطلب موجود باشد. بر همین روال دانشجویانی که برای رشته‌های علوم ارتباطات به‌طور عام و روزنامه‌نگاری به‌شکل خاص انتخاب می‌شوند، حتماً باید پیشینه‌ای حداقل متوسط از نظر آگاهی‌های اجتماعی، علوم روز، تسلط به زبان و ادبیات مدون و غیرمدون و زمینه‌ای از ذوق و علاقه به این حرفه و قلمی نسبتاً روان داشته باشند. گزینش چنین دانشجویانی به آزمونی ویژه - متفاوت با آنچه امروز بدان عمل می‌شود - نیاز دارد.

در این زمینه از استادان و دانشجویان بسیار نظرخواهی شده است که پاسخهای آنان در بخشهای دیگر گزارش نقل شده‌اند. اما در اینجا توجه به بعضی اظهارنظرهای پراکنده در همین زمینه ضروری است:

* روزنامه‌نگاری بیش از هر چیز یک رشته ذوقی است. اگر کسی بخواهد رشته موسیقی را ادامه دهد، امتحان ویژه‌ای از او به عمل می‌آورند. اگر کسی بخواهد تمرین آواز کند و صدایش را پرورش دهد، حتماً باید «ته‌صدایی» به عنوان - حداقل - داشته باشد. اما معلوم نیست چرا حداقل چنین «ته‌ذوقی» برای روزنامه‌نگار شدن ملاک قرار نمی‌گیرد!

* خود شما جواب دهید: آیا کودکی که از ابتدا با کتاب، تصویر و آموزش آشنا شده است در آینده برای روزنامه‌نگاری مناسبتر است یا کودکی که در خانواده‌ای به دور از حمایت‌های جنبی آموزشی بزرگ می‌شود و فضای تربیتی خانواده‌اش صرفاً متوجه پول درآوردن و کسب درآمد است؟ حتماً جواب می‌دهید که قرار نیست فقط کودکانی که در خانواده‌های خاص بزرگ می‌شوند، در آینده به روزنامه‌نگاری رو بیاورند، بده. با شما موافقم. ولی به نظر من آن کودک روستایی که هیچگونه امکانات خاص آموزشی و پرورشی ندارد، ولی به دلیل محیط جغرافیایی-زیستی خود، نسبت به طلوع و غروب خورشید حساس است یا از زیبایی‌های آبریز و رنگ برگ‌های پاییزی به هیجان می‌آید - به شرط دسترسی به آموزش مناسب - از آن کودک شهری که جز راه مدرسه را نمی‌شناسد، برای آموزش روزنامه‌نگاری مناسبتر است.

* روزنامه‌نگاری حرفه‌ای دشوار، تأثیرگذار است. روزنامه‌نگار باید خصوصیات ویژه داشته باشد و این خصوصیات ویژه می‌تواند در گزینشی همه جانبه، اشخاص مستعد و

واجد شرایط را برای آموزش راه و رسم این حرفه معرفی کنند.

پیشینه آموزش روزنامه‌نگاری در ایران اولین کلاسهای پراکنده کوتاه‌مدت تا به امروز که در آستانه تصویب مرحله دکترای رشته روزنامه‌نگاری هستیم، دوره پریپچ‌وخی را طی کرده است. آموزش روزنامه‌نگاری در ایران از کلاسهای کوتاه‌مدت شروع شد و با توفقهایی، به ایجاد رشته روزنامه‌نگاری و روابط عمومی انجامید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این رشته‌های مستقل به گرایشهایی در دوره کارشناسی علوم اجتماعی تبدیل شدند و سپس با تلاش تنی چند از استادان دلسوز و پیگیر این رشته، همچون دکتر معتمدنژاد، مجدداً به عنوان رشته مستقل ارتباطات، دانشجو پذیرفت. در حال حاضر برگزاری دوره کارشناسی ارشد و تلاش برای تأسیس دوره دکترا - تا مرحله تصویب - جدیدترین موقعیت این رشته است.

دکتر کاظم معتمدنژاد، درباره اولین تجربه‌های آموزش ارتباطات در ایران می‌نویسد:

«اولین تجربه آموزش ارتباطات در ایران - صرف‌نظر از برنامه‌های آموزش فنی مدرسه پست و تلگراف که در سال ۱۳۰۷ شمسی تأسیس شد - در سال ۱۳۱۹ شمسی در زمینه روزنامه‌نگاری صورت گرفت. در این سال، با همکاری، سازمان سنجش افکار، و دانشگاه تهران، یک دوره روزنامه‌نگاری در دانشکده

حقوق این دانشگاه دایر شد که عده‌ای از استادان معروف از جمله سعید نفیسی و محمد حجازی در آن تدریس می‌کردند. فعالیت این دوره، چندماه بیشتر طول نکشید. با حوادث شهریور ۱۳۲۰، اولین تجربه آموزش روزنامه‌نگاری در ایران متوقف و ۱۵ سال بعد با همکاری مدیران مطبوعات و دانشگاه تهران، کوششهای تازه‌ای در این مورد آغاز شد.»^۳

محمدحسین آل‌ابراهیم تشکیل اولین کلاسهای روزنامه‌نگاری را به سال ۱۳۳۰ شمسی نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «در این دوره [دوره رضاخان] با وجود اختناق و فشار رژیم جبار سلطنتی، روزنامه‌ها به ساختار درونی خود توجه کردند ولی تلاش برای تربیت روزنامه‌نویسی و آموزش روزنامه‌نگار همگام با شکل‌گیری مبارزات ملی صورت نگرفت و این وضع، همچنان ادامه داشت تا سال ۱۳۳۰ شمسی که دانشگاه تهران با همکاری اداره اطلاعات آمریکا در ایران، نخستین کلاسهای روزنامه‌نگاری را در تهران برپا کرد و بدین ترتیب نخستین سنگ بنای آموزش روزنامه‌نگاری گذاشته شد.»^۴

دکتر محسین‌ان‌راد، نیز در این زمینه می‌نویسد: در دوران حکومت رضاشاه در سال ۱۳۱۷، هیأت وزیران، اساسنامه تشکیلاتی را به نام «سازمان پرورش افکار» به تصویب رساند ... یکی از کمیسیونهای سازمان پرورش افکار، کمیسیون مطبوعات بود که اساسنامه آن در هفتمین جلسه هیأت مرکزی به تصویب رسید و از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷، به ریاست محمد حجازی فعالیت خود را آغاز کرد ... تا نیمه مهر

نوگفته‌هایی از روزنامه‌نگاران و مدرسان



دستی بر آتش روزنامه‌نگاری

هشت مدرس و روزنامه‌نگار به ۹ سؤال مشترک -

که دل مشغولی بسیاری از دست‌برآتش‌دارندگان روزنامه‌نگاری است - پاسخ گفته‌اند، به آن گونه که تمایل داشته‌اند. و مباحث‌فایشان را برای شما باز می‌گوییم. آنان گفته‌اند، آن‌گونه که دوست دارند. حرفها همه از سر درد است، هرچند که گاه با هم متفاوت و بسیاری هم نو اینکه ما با آنان موافقیم یا نه، سخن دیگری است که بحث آن را می‌گذاریم برای هژاید وقتی دیگر.

محمدکاظم انبازلویی، یونس شکرخواه، علی شیدفر، فریدون صدیقی، عباس حیدری، اسماعیل عباسی، مهدی فرقانی و حسین لندی، روزنامه‌نگاران و مدرسانی هستند که به دعوت و سؤالهای ما پاسخ گفته‌اند.

ایسین سو یکی دل نگران گمشده خود روزنامه‌نگاری بومی - است. آن سو دیگری دانش، تجربه و هنر را درهم می‌آمیزد تا روزنامه‌نگاری دلخواه خود را تعریف کند. آن سوتر کسی صداقت را می‌جوید تا به مخاطبان آشنا یا غریبه هدیه کند. کمی نزدیکتر یا دورتر - چه قرنی می‌کند - کسی شک خود را در قیال «فئوریهای» مرسوم ابراز می‌کند و می‌خواهد تو باور کنی که امروز می‌توان صدای سکوت را شنید و حتی پیدا و دیگر کسی هست که می‌خواهد واژه‌های دانشجویان روزنامه‌نگاری را در نشریه خود آنان مرمزه کند و بعد... کسی پیوند نظریه و عمل را فریاد می‌کند تا راز و رمز پیروزی را بگشاید و نفر پایانی، در صندوقچه عزیز مادر بزرگ در پی نوق، شوق و شجاعت روزنامه‌نگار است.

۱۳۱۹، اجرای سیاست مطبوعاتی صرفاً برعهده سازمان پرورش افکار بود، اما با گسترش جنگ جهانی دوم و حساسیت روزافزون مطبوعات در حفظ تعادل خبری میان طرفهای درگیر و نیز ناکافی بودن اختیارات اجرایی سازمان پرورش افکار، سازمان جداگانه‌ای زیر نظر نخست‌وزیر به نام اداره کل انتشارات و تبلیغات تأسیس شد. ریاست آن را یکی از اعضای هیأت مرکزی سازمان پرورش افکار عهده‌دار بود. اساسنامه اداره کل انتشارات و تبلیغات پنج وظیفه را به عهده «کمیسون مطبوعات» گذارد که سومین آنها، تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات بود و همین وظیفه منجر به تأسیس اولین مؤسسه آموزش روزنامه‌نگاری شد.^۵

در سال ۱۳۱۷ بنگاه روزنامه‌نگاری، دوره یکساله‌ای را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تأسیس کرد.^۶

احتمالاً اولین دوره آموزش روزنامه‌نگاری با حوادث شهریور ۱۳۲۰ متوقف می‌شود. براساس مدارک موجود اولین گامهای جدی در زمینه آموزش روزنامه‌نگاری به سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ شمسی برداشته شده است، و برای اینکه سخن در این زمینه به درازا نکشد، سیر آموزش روزنامه‌نگاری در ایران را با استفاده از منابع مختلف به‌طور فشرده بیان می‌کنیم:

- در سال ۱۳۳۴ شمسی، دکتر مصطفی مصباح‌زاده، مدیر روزنامه کیهان و استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران، با توجه به نیاز تربیت روزنامه‌نگاران متخصص، پیشنهاد تأسیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه تهران را به شورای این دانشگاه تسلیم کرد.^۷

- از حدود سال ۱۳۳۵ به بعد، نخست ذر دانشگاه تهران و سپس به‌وسیله مؤسسات «اطلاعات» و «کیهان» چند کلاس یا دوره کوتاه‌مدت روزنامه‌نویسی و خبرنگاری و امثال آنها تشکیل یافت که همواره داوطلبان بسیار داشتند.^۸

- در سال ۱۳۳۵ شورای دانشگاه تهران برنامه دوره چهارساله لیسانس روزنامه‌نگاری را تدوین کرد.^۹

- در سال ۱۳۳۵ - در زمان ریاست منوچهر اقبال - کلاسی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تشکیل شد و از «کواتس ویلسون» استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه «یوتا» دعوت شد تا در آن تدریس کند. در این کلاس حدود ۲۵۰ نفر روزنامه‌نگار شرکت کردند.^{۱۰}

اولین نیمسال دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در سال تحصیلی ۴۵ و ۴۶ آغاز شد. در سال ۱۳۴۶ تغییراتی در برنامه دوره لیسانس دانشگاه تهران داده شد... اما این برنامه‌ها زیاد به طول نینجامید و بعد از یک دوره چهارساله تعطیل گردید.^{۱۱}

در سال تحصیلی ۴۵ و ۴۶، روزنامه‌نگاری به عنوان یکی از رشته‌های هنرستان دخترانه فرح اعلام شد و اولین دوره سه‌ساله روزنامه‌نگاری در این هنرستان با ۱۲ نفر آغاز به کار کرد.

بر اثر استقبال از این رشته، یک کلاس آزاد در همین هنرستان - دوره ۴۰۰ ساعته - ایجاد شد که پس از طی دوره چهارساله مدرک می‌داد.

در سال ۱۳۴۳ مؤسسه کیهان یک دوره دوساله آموزش روزنامه‌نگاری تشکیل داد.

در سال ۱۳۴۵ مؤسسه عالی روزنامه‌نگاری با نام «مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» برای مهرماه سال ۱۳۴۶ دانشجو پذیرفت.^{۱۲}

در آذرماه سال ۱۳۴۷ مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی به «مؤسسه عالی علوم ارتباطات اجتماعی» تغییر نام داد.

در خردادماه سال ۱۳۴۸، این مؤسسه برای سال تحصیلی ۴۸-۴۹ دانشجو پذیرفت.

در سال ۱۳۵۰، این مؤسسه به «دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی» تغییر نام داد.

در سال ۱۳۵۹ دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی با ادغام در بعضی از دانشکده‌های دیگر، «مجمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی» را تشکیل دادند.

در سال ۱۳۶۴ دو «مجمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی» و «علوم اداری و بازرگانی» درهم ادغام شدند و تحت پوشش دانشگاه علامه طباطبایی قرار گرفتند.

با حذف رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، رشته ارتباطات به عنوان یکی از گرایش‌های پنج‌گانه علوم اجتماعی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه (مستقر در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی سابق) به حیات خود ادامه داد.

با تلاش تنی چند از استادان پیگیر این رشته، در سال تحصیلی ۶۹ و ۷۰ مجدداً رشته علوم ارتباطات اجتماعی با دو شاخه روزنامه‌نگاری و روابط عمومی در آن دانشکده احیا شد.

■ دانشجویانی که برای رشته روزنامه‌نگاری انتخاب می‌شوند، حتماً باید پیشینه‌ای حداقل متوسط از نظر آگاهی‌های اجتماعی، تسلط به زبان، علوم روز، ادبیات و زمینه‌ای از ذوق و علاقه به این حرفه و قلمی نسبتاً روان داشته باشند.

با ویژگی‌های دوازده‌گانه فوق، صرفاً به منظور ترسیم تصویری ایده‌آل از آن خصایص است که باید کوشش کرد تا حد امکان به آنها دست یافت.^{۱۵}

دکتر کاظم معتمدنژاد، درباره لزوم آزمون خاص در مورد گزینش دانشجو برای رشته روزنامه‌نگاری می‌گوید: «برای این رشته قبل از هوشیاری باید ذوق داشت. برای ورود به این رشته هم مثل رشته‌های هنری، نقاشی، موسیقی و سایر زمینه‌های هنری باید ذوق و استعداد وجود داشته باشد. حتی به نظر من این رشته باید انتخاب اول دانشجو باشد. پس وجود یک آزمون ویژه یک ضرورت است.

یعنی اینکه از طریق آزمون سراسری نمی‌توان برای این رشته دانشجو انتخاب کرد. مگر اینکه برای سنجش کل ذوق و استعداد عمومی، نگارش فارسی، زبان خارجه و اطلاعات عمومی در مرحله اول از این کنکور استفاده شود و در مرحله دوم آزمون جداگانه‌ای انجام گیرد. این آزمون جداگانه باید نویسنده‌گی، شم‌خبری، کنجکاوی اجتماعی، آمادگی برای خدمت اجتماعی و تحمل رنج و مشقت این حرفه را - که زمان نمی‌شناسد، ساعت کار معینی مثل ۷ صبح تا ۲ بعدازظهر ندارد و ممکن است تمام ساعات شبانه‌روز و حتی روزهای تعطیل را اشغال کند - دربر بگیرد. به این ترتیب دانشجوی روزنامه‌نگاری باید برای زمان طولانی کار، ساعات شب، روزهای تعطیل، فعالیت در محیط اجتماعی نامناسب و حتی در جریان جنگها، جبهه‌ها، شورشهای اجتماعی و از این قبیل یا خطرناکترین صحنه‌ها و حساسترین لحظه‌ها، آمادگی برخورد داشته باشد. به نظر می‌رسد که در این آزمون جداگانه مصاحبه و حتی آزمایشهای روانی هم مورد لزوم باشد».

دکتر معتمدنژاد در پاسخ به این سؤال که «آیا پیشنهاد برگزاری آزمون ویژه برای انتخاب دانشجوی رشته ارتباطات اجتماعی مطرح شده است یا نه» می‌گوید:

«تاکنون چنین پیشنهادی نشده است. ولی طرح همین مسأله در فصلنامه رسانه می‌تواند

در سال ۱۳۶۸ مرکز آموزش ضمن خدمت روزنامه‌نگاری با نام «مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز به کار کرد.

در سال ۱۳۶۹ تشکیل دوره کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی تصویب شد و از همان سال دانشجو پذیرفت.

دانشگاه آزاد اسلامی نیز از سال ۱۳۶۶ گرایش ارتباطات را در دوره لیسانس علوم اجتماعی جزو رشته‌های خود قرار داد و هم‌اکنون کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی نیز در این دانشگاه فعال است.

آزمون جداگانه

بسیاری از متخصصان علوم ارتباطات، استادان روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به نوعی استعداد ذاتی یا سابقه ذهنی یا آمادگی قبلی برای شروع آموزش روزنامه‌نگاری یا گام نهادن به میدان حرفه‌ای اعتقاد دارند. دکتر کاظم معتمدنژاد از این ویژگی به عنوان «ذوق و استعداد شخصی» و «آمادگی قبلی»^{۱۳} نام می‌برد و دکتر محسنیان‌زاد، آن را «شم خبری» می‌نامد که متضمن دوازده خصیصه است:

۱. داشتن ذوق و استعداد نویسنده‌گی، نداشتن دشواری در انتخاب کلمات و ساختن جملات؛
۲. کنجکاوی، تیزبینی و نکته سنجی؛
۳. داشتن هوش (پیش از هوشمندی متوسط جامعه)؛
۴. توانایی جوشش یا طبقات مختلف مردم؛
۵. صبر و حوصله زیاد
۶. داشتن توانایی جسمی و روانی برای دوندگی‌های اضطراری؛
۷. قدرت تفکر سریع؛
۸. عشق به کار خبری؛
۹. مؤمن به رعایت اصول اخلاقی و داشتن تقوا؛
۱۰. نداشتن خودبینی، غرور و تکبر، انزواجویی، ساده‌لوحی، تعصب فکری، فضل فروشی، گزافه‌گویی و تندخویی؛
۱۱. داشتن توانایی‌های ارتباطی (برای مصاحبه)؛
۱۲. داشتن حافظه‌ای بیش از حافظه متوسط جامعه (برای مصاحبه).^{۱۴}

البته دکتر محسنیان‌زاد، ضمن برشمردن این دوازده خصیصه تأکید می‌کند که «به‌ندرت ممکن است فردی بتواند از تمامی این خصایص برخوردار باشد. در اینجا تجسم فردی



دانشجوی روزنامه‌نگاری باید یک پایش در روزنامه و پای دیگرش در کلاس درس باشد

نیست که حتی ارزش یک نگاه کردن هم نداشته باشد.

همچنین در مورد حقوق روزنامه‌نگاری و چگونگی تکوین آن، داشتن اطلاعات ضروری است. به هر ترتیب، باید اذعان داشت که روزنامه‌نگاری یک هنر است و مانند هر هنری دارای مبانی علمی است. اما وجه غالب روزنامه‌نگاری عمدتاً «هنر» است که لزوماً باید منطبق با آموزه‌های علمی در این خصوص باشد.

به نظر شما، تنها با ورود به دانشکده روزنامه‌نگاری، می‌توان روزنامه‌نگاری موفق شد یا برای شروع آموزش تخصصی، پیشینه‌ای لازم است؟

هیچ‌کس این را باور ندارد که کسی با ورود به دانشکده ادبیات نویسنده یا شاعر، و یا با ورود به دانشکده علوم سیاسی، سیاستمدار مسوقی شود. اکثر فارغ‌التحصیلان رشته روزنامه‌نگاری نه به روزنامه‌نگاری روی می‌آورند و نه اگر هم روی آورند موفق بوده‌اند. اما در این تردید نیست که کسی که به حرفه روزنامه‌نگاری روی آورده است حتماً باید الفبای روزنامه‌نگاری را بداند. گذراندن چند واحد درسی در این خصوص حتمی است.

خواه به تحصیلات تخصصی معتقد باشید یا کسب تجربه در طول کار حرفه‌ای، اصولاً چه مشخصاتی را برای ورود به دنیای روزنامه‌نگاری لازم می‌دانید؟

فکر می‌کنم که بخشی از پاسخ به این سؤال

محمدکاظم انبارلوی، متولد ۱۳۳۵ - سردبیر روزنامه رسالت

روزنامه‌نگاری علم است یا هنر، یا آمیزه‌ای از هر دو یا...؟

به اعتقاد بنده روزنامه‌نگاری در درجه نخست یک هنر است. این هنر عبارت است از کشف مخاطب و برقراری ارتباط از طریق یک نوشتار. نوعاً هرکسی قادر نیست توفیق برقراری این ارتباط را پیدا کند. شرط اینکه این ارتباط برقرار شود این است که:

– صاحب فکر، به اصطلاح دارای پیام خاص باشد؛

– پیام لزوماً موردنیاز مردم باشد؛

– پیام حتماً در بستر زمان خود ارائه شود؛

– پیام با معادله‌های «معنی» در ذهن مخاطب بخواند. در چنین فضایی روزنامه‌نگار یک هنرمند است که هر روز به خلق یک اثر می‌پردازد. حال این اثر می‌تواند در یک خبر یا یک گزارش و یا یک مصاحبه و حتی یک مقاله تجلی یابد.

در درجه دوم، روزنامه‌نگاری یک علم است. به هر حال از زمان پیدایش چنین پدیده‌ای بزرگانی پیدا شده‌اند، آن را قانونمند و تئوریزه کرده‌اند یک روزنامه‌نگار حتماً باید از «ساختار حرفه‌ای خبر» آگاه باشد.

روزنامه‌نگاری، ادبیات خاص خود را دارد. روزنامه‌نگار باید به همه وجوه آن آگاهی داشته باشد. یک روزنامه‌نگار حتماً باید نظریه‌های گوناگون در باب ارتباطات را بداند. تجربیات و دستاوردهای علمی در این خصوص چیزی

به عنوان یک پیشنهاد تلقی شود. البته چون مدتی این رشته، رشته مستقلی نبود و تنها به عنوان یکی از گرایشهای پنجگانه علوم اجتماعی پذیرفته شده بود، نمی‌توانستیم چنین پیشنهادی را طرح کنیم، ولی الان می‌توانیم. البته قبلاً هم که رشته روزنامه‌نگاری مستقل بود، آزمون اختصاصی برای گزینش دانشجو انجام می‌گرفت. گویانکه بعضی از داوطلبان در رشته‌های دیگر هم شرکت می‌کردند - ولی تعدادی هم بودند که به صورت انحصاری به این رشته علاقه داشتند».

دکتر نعیم بدیعی، استاد و معاون آموزشی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی درباره آزمون ویژه، مسأله تفاوت اهداف و آرمانها و امکانات محدود را مطرح می‌کند و می‌گوید: «در این زمینه، یکی شکل ایده‌آل مسأله است و دیگری شکل مقدور و امکان‌پذیر آن. حالت ایده‌آل آن است که شما افرادی را گزینش کنید که به این رشته علاقه‌مند هستند. اما آنچه ایده‌آل است با توان محدود ما همخوانی ندارد».

سطح معدل پایین است

اغلب استادان و مسؤولان آموزشی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی از سطح پایین معدل پذیرفته‌شدگان گله دارند. البته اغلب معتقدند که این مشکل مشترک میان تمامی رشته‌های علوم انسانی است. دکتر معتمدزاد می‌گوید: «معدل افراد معرفی شده برای کل رشته‌های علوم انسانی اکثراً ۱۰ تا ۱۲ است. عده کمی هم معدل تا ۱۴ دارند و این نکته واقعاً قابل تأکید است».

دکتر نعیم بدیعی، نیز با اشاره به همین نکته بالاترین میانگین معدل ورودیهای نرم تحصیلی جاری را ۱۴/۰۵ - برای رشته روابط عمومی - ذکر می‌کند. نگاهی به میانگین معدل دانشجویان ورودی امسال در رشته‌های مختلف بسیاری از ناگفته‌ها را روشن می‌کند.

دکتر بدیعی، درباره پایین بودن سطح معدلها می‌گوید: «سال گذشته هم چنین وضعیتی داشتیم و البته معدلها پایین‌تر بود. این



نام رشته	میانگین معدل	
پژوهشگری	۱۳/۳۸	الف) دوره روزانه:
خدمات اجتماعی	۱۲/۴۹	
تعاون و رفاه اجتماعی	۱۲/۳۵	
روابط عمومی	۱۴/۰۵	
علوم ارتباطات اجتماعی	۱۳/۲۶	بالاترین میانگین
خدمات اجتماعی	۱۱/۳۱	ب) دوره شبانه:
پژوهشگری	۱۱/۹۳	
روزنامه‌نگاری	۱۲/۱۸	

اجتماعی در دو شاخه روزنامه‌نگاری و روابط عمومی:

نام ۲۸ درس پایه الزامی رشته علوم ارتباطات اجتماعی به این شرح است:

مسأله را هم منعکس کردیم ولی ظاهراً کاری انجام نشده است.

تعداد واحد	نام درس	تعداد واحد	نام درس
۳	مبانی ارتباطات جمعی	۳	مبانی جامعه‌شناسی (۱)
۳	ارتباطات بین‌المللی	۲	مبانی جمعیت‌شناسی
۳	ارتباطات سیاسی	۳	مبانی روانشناسی - مفاهیم اساسی
۳	ارتباطات انسانی	۲	مبانی فلسفه (۱)
۳	روشهای بررسی و تحلیل پیامهای ارتباطی	۲	تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام
۳	ارتباطات تصویری	۲	مبانی تاریخ اجتماعی ایران
۳	نظریه‌های ارتباطات اجتماعی	۲	آمار مقدماتی
۳	گرافیک و صفحه‌آرایی در مطبوعات	۲	آمار در علوم اجتماعی
۲	فتوژورنالیسم (عکاسی خبری)	۲	زبان تخصصی - مطالعه در متون
۲	تکنولوژی چاپ و نشر	۲	ارتباطات اجتماعی (۱)
۲	تجزیه و تحلیل برنامه‌های رادیو و تلویزیون	۲	زبان تخصصی - مطالعه در متون
۲	افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی	۳	ارتباطات اجتماعی (۲)
۲	ارتباطات در جهان سوم	۳	اصول علم اقتصاد
۳	حقوق ارتباط جمعی	۳	روانشناسی اجتماعی
۳	شیوه نگارش فارسی در مطبوعات	۲۸ واحد	جمع
۴۰ واحد	جمع		

درسهای لازم و غیر لازم

چون و چرا در مورد واحدهای درسی رشته روزنامه‌نگاری نیز از جمله مباحثی است که هم دانشجویان و هم استادان، گفتنیهای بسیاری درباره آن دارند. استادان اغلب کمبود امکانات عملی را مشکل عمده می‌دانند و البته عده‌ای دیگر نیز وجود بعضی دروس تخصصی‌تر را لازم می‌دانند. دانشجویان نیز با اشاره به غیر ضروری بودن بعضی از درسها و لزوم تدریس بعضی دیگر از واحدهای ذوقی، بر تقویت جنبه‌های عملی واحدهای درسی اصرار می‌ورزند. نگاهی به نام و تعداد واحدهای درسی رشته علوم ارتباطات اجتماعی می‌تواند بحثهای بعدی را بیشتر قابل لمس کند:

و حالا می‌رسیم به جذاب‌ترین و مرتبط‌ترین دروس یعنی ۲۰ واحد درس تخصصی رشته علوم ارتباطات اجتماعی در شاخه روزنامه‌نگاری:

تا اینجا ۴۸ واحد درسی را از نظر گذرانده‌ایم؛ اما دروس اصلی الزامی رشته علوم ارتباطات اجتماعی - ۱۷ واحد درسی - از این قرار است:

دانشجویان این رشته نیز چون دیگر رشته‌های تحصیلی دوره کارشناسی، باید دروس عمومی را بگذرانند. بیست واحد دروس عمومی فرهنگ، معارف و عقاید اسلامی یا به عبارت دیگر «آگاهیهای عمومی» از این قرارند:

تعداد واحد	نام درس	تعداد واحد	نام درس	تعداد واحد	نام درس
۳	اصول روزنامه‌نگاری	۲	اصول علم سیاست	۲	معارف اسلامی (۱)
۳	روزنامه‌نگاری عملی (۱) مصاحبه مطبوعاتی	۲	کلیات حقوق	۲	معارف اسلامی (۲)
۳	روزنامه‌نگاری عملی (۲) گزارش مطبوعاتی	۲	حقوق اساسی	۲	اخلاق و تربیت اسلامی
۳	ویراستاری و مدیریت اخبار	۳	روش تحقیق نظری	۲	انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن
۳	روزنامه‌نگاری تخصصی	۲	روش تحقیق عملی	۲	تاریخ اسلام
۳	تاریخ روزنامه‌نگاری	۲	اصول سازمان و مدیریت	۲	متون اسلامی (آموزش زبان عربی)
۲	نقد، تفسیر و مقاله در مطبوعات	۲	سمینار مسائل سیاسی و استراتژی معاصر	۳	فارسی
۲۰ واحد	جمع	۲	اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم	۳	زبان خارجی
		۱۷ واحد	جمع	۱	تربیت بدنی (۱)
				۱	تربیت بدنی (۲)
				۲۰ واحد	جمع

و بالاخره دروس اختیاری رشته علوم ارتباطات اجتماعی برای شاخه روزنامه‌نگاری

و حالا می‌رسیم به ۴۰ واحد درس اختصاصی مشترک رشته علوم ارتباطات

بخشی از تئوریها و تعاریف «ارتباط» را باید از دل تجربیات فرهنگی خود بیرون بکشیم که متأسفانه تا به حال روی این نظریه کاری صورت نگرفته است.

۱۶ واحد از مجموعه درسهای است که ذیلاً ذکر می‌شود:

اصول روابط بین‌المللی (الف)، اصول روابط بین‌المللی (ب)، سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای اداری در ایران، جامعه‌شناسی سیاسی، تغییرات اجتماعی، اقتصاد ایران، تأمین و رفاه اجتماعی، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی توسعه، حقوق اداری، پایان‌نامه، نظریه‌های جامعه‌شناسی (۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲)، اصول روابط عمومی، مدیریت و روابط عمومی، روابط عمومی عملی (۱)، گزارش و نگارش، روابط عمومی عملی (۲) انتشارات و رویدادهای ویژه - تکنیکهای روابط عمومی، اقناع و تبلیغ، ارتباط با مطبوعات و ارتباطات شفاهی.

کنکاش درباره لزوم بود و نبود هریک از این دروس خارج از بحث ماست.

اما آنچه می‌توان بر آن پای فشرده ضرورت ایجاد امکانات لازم برای انجام کارهای عملی در دانشگاه است که مورد تأیید همه استادان و کارشناسان است. دکتر بدیعی، اعتقاد دارد که: «همه چیز در این دانشکده، "تصوری" است. دانشجویان برای درسهای مصاحبه و گزارش کار، خارج از دانشکده انجام می‌دهند، ولی احساس حرفه‌ای در بچه‌ها به وجود نمی‌آید. خیلی از بچه‌هایی که به‌طور اتفاقی وارد این رشته شده‌اند، به این رشته علاقه‌مند می‌شوند و می‌مانند - حتی ما از رشته‌های دیگر متقاضی تغییر رشته به ارتباطات را داریم - اما متأسفانه مسأله ما نداشتن امکاناتی است که باید حداقلش را داشته باشیم».

دکتر معتمدنژاد، نیز بر همین اعتقاد است که یکی از مشکلات، کمبود امکانات کار عملی است. استاد می‌گوید: «اول - ما کلاسهای کافی نداریم که دانشجویان را برای انجام کارهای عملی به گروههای کوچکتر

را در پاسخ به سؤال دوم دادم. یک روزنامه‌نگار علاوه بر کسب تجربیات حرفه‌ای حتماً باید بخشی از تحصیلات تخصصی در این زمینه را طی کرده باشد. برخی براساس انگیزه‌های خاص به این حرفه روی می‌آورند مثلاً برای کسب قدرت سیاسی؛ فکر می‌کنند که لزوماً باید یک روزنامه داشت. اما فکر این را نمی‌کنند که این روزنامه هر روز به خبر، گزارش، مقاله و تحلیل نیاز دارد. فنون علمی برقرارکردن ارتباط با مردم، را نیاز دارد. جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، معنی‌شناسی، - به تعبیر علمای ارتباطات - اطلاعات عمومی نیاز دارد. معروف است که می‌گویند اطلاعات یک روزنامه‌نگار باید به اندازه یک اقیانوس به عمق نیم‌میلتر باشد. مفهوم آن این است که به اصطلاح از هر دری، اطلاعاتی داشته باشد تا بتواند نیازهای مردم را در همه زمینه‌ها مرتفع کند. در حال حاضر تأسیس یک روزنامه مشکل است، اما نگهداری آن مشکل تر است. فرهنگ مکتوب ما پیچیدگیهای خاص خود را دارد. روزنامه‌خوانهای ما، در «جهان معنی ناشناخته» ای هستند. دستیابی به آن جهان و گذراندن پیامها بخصوص پیامهایی که جنبه آرمانی و الهی دارد، بسیار مشکل است. من فکر می‌کنم که آموزه‌های کلاسیک در زمینه علم یا هنر روزنامه‌نگاری لازم است، اما کافی نیست. در فرهنگ اسلامی ما باید ببینیم که پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نحوه ارتباط گیریشان با مردم چگونه بوده است. علمای بزرگ چگونه به این مهم اندیشیدند. بخشی از تئوریها و تعاریف «ارتباط» را باید از دل تجربیات فرهنگی خود بیرون بکشیم. متأسفانه روی این نظرکاری نشده است. در دانشگاههای ما نمی‌دانم - علوم ارتباطات - در این مورد چه فکر شده است؟

به اعتقاد شما، مهمترین ویژگی لازم برای روزنامه‌نگار شدن چیست؟

صداقت در نقل خبر، صمیمیت با مردم.

آیا تفاوتی بین «تکنیسین خبر» و «روزنامه‌نگار» قائل هستید؟

تکنیسین خبر، تنها یک کارمند ساده است که آشنا به ویرایش و پیرایش و تنظیم حرفه‌ای خبر است اما روزنامه‌نگار با اوصافی که در قبل مذکور افتاد، یک عالم و هنرمند است.

چه نوع آموزشهایی را برای دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری ضروری می‌دانید؟

فکر می‌کنم که فضایی که در یک روزنامه برای آموزش یک روزنامه‌نگار وجود دارد خیلی می‌تواند به درک صحت و سقم نظریه‌ها و فرضیه‌های ارتباطی - که دانشجویان به‌طور کلاسیک در سرکلاسها می‌آموزند - کمک کند. دانشجوی رشته روزنامه‌نگاری باید یک پیش‌روزنامه و پای دیگرش سرکلاس درس باشد:

- روزنامه‌نگار باید یک حجم معقول از اطلاعات در همه زمینه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی داشته باشد. لذا ضروری است که به نوعی، این اطلاعات به‌صورت جزوه درسی به دانشجویان منتقل شود؛

- طرز خواندن روزنامه خود یک فن است. دانشجو باید بداند که به چه صورت در کمترین زمان ممکن بیشترین حجم یک روزنامه یا مجله را بخواند و اطلاعات موردنظر خود را دریافت کند؛

- آشنایی با ادبیات روزنامه‌نگاری ضروری است؛

- دانشجوی رشته روزنامه‌نگاری از اولین روزهای آغاز سال تحصیلی تا زمان فارغ‌التحصیل شدن حتماً باید روزنامه بخواند و به اصطلاح معتاد به خواندن روزنامه‌ها و نشریات شود؛

- مقید باشد که اخبار رادیو و تلویزیون را گوش کند. این خود می‌تواند یک واحد درسی تلقی شود. دانشجو در پایان هر هفته یک تحلیل از رویدادهای سیاسی با ارائه یک مقاله داشته باشد.

تقسیم کنیم. دوم - پرداخت حق الزحمه همکارانی است که از خارج دانشگاه برای تدریس دروس عملی می‌آیند. با توجه به مقررات مالی دانشگاه، با حق الزحمه مصوب، نمی‌توانیم زحمات این همکاران را جبران کنیم. مهمتر از همه عدم امکانات آزمایشگاهی است. برخلاف گذشته آتلیه چاپ و عکاسی، صفحه‌آرایی و تهیه و تنظیم خبر نداریم. مرکز اسناد و اطلاعات تخصصی نداریم. امکانات روزنامه‌نگاری برای خبرنگارها یا حتی برای رادیو و تلویزیون را دارا نیستیم. امکانات استودیوی ضبط و پخش صدا و تصویر و امکانات ویدئویی را نداریم. در کنار همه اینها چون ما این امکانات را در اختیار نداریم - امکانات لابراتواری، تکنولوژیکی و همکاران عملی - کار تجربی روزنامه‌نگاری نمی‌توانیم انجام دهیم».

دکتر معتمدزاد، در این باره که «ضرورت وجود چه نوع درسهایی حس می‌شود» می‌گوید: «ما کلیات روزنامه‌نگاری را داریم. شیوه‌های کسب خبر، مصاحبه، گزارش و مقاله‌نویسی را داریم، اما زمینه‌های تخصصی کار مثل روزنامه‌نگاری اقتصادی، ورزشی، سیاسی، فرهنگی و از این قبیل را دارا نیستیم. همچنین بیشتر کار ما متمرکز بر نیازهای مطبوعات است، در حالی که برای روزنامه‌نگاری برای خبرنگارها و رادیو و تلویزیون و مجلات به‌طور کلی و مجلات تخصصی هم باید پیش‌بینی‌های لازم بشود. برای نیل به این منظور - هرچه بیشتر تخصصی شدن رشته - علاوه بر امکانات لابراتواری، تأسیساتی و تکنولوژیکی نیاز به نیروی انسانی هیأت علمی داریم که از طریق آزمونهای فوق‌لیسانس و دکترای تأمین کنیم و یا از همکاری فارغ‌التحصیلان خارج از کشور بهره ببریم. و چون جذب افراد با ذوق و با استعداد و دارای وقت آزاد برای دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترای دشوار است، ایجاب می‌کند که با برنامه پیش‌بینی شده و از طریق بورسهای تحصیلی خاص بنا تأمین حداقل نیازهای مادی، دانشجویان داوطلب خدمت در بخش آموزش و پژوهش را جذب کرد. علاقه‌مسوولان کنونی به این رشته کافی نیست برای رسیدن به این هدف باید با همکاری دانشگاه و وزارت علوم پیش‌بینی لازم صورت گیرد تا فارغ‌التحصیلان فوق‌لیسانس و دکترای بیش از هرچیز جذب هیأت علمی این رشته شوند و کمبود کنونی

همکاران عضو هیأت علمی را جبران کنند».

مشکل در دوره فوق‌لیسانس

دکتر معتمدزاد، درباره دوره کارشناسی ارشد نیز نظراتی دارد، از جمله این که: یکی از مشکلات کنونی برای دوره کارشناسی ارشد تصمیم کلی وزارت علوم برای مشارکت تمام فارغ‌التحصیلان دوره لیسانس علوم انسانی و اجتماعی در امتحان دوره کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی است. در حالی که با توجه به مقتضیات این رشته و با تأکید بر ذوق و استعداد و تحصیلات تخصصی دوره لیسانس، فقط دارندگان لیسانس علوم ارتباطات باید بتوانند وارد دوره کارشناسی ارشد شوند. در این مقطع باید برخلاف دوره لیسانس که گزینش دانشجو از طریق سنجش سراسری انجام می‌شود، انتخاب دانشجویان دوره کارشناسی ارشد در اختیار خود دانشگاه باشد. بنابراین با توجه به این دو مسأله:

۱. امکان شرکت فارغ‌التحصیلان دوره

این جهت، این عده بدون هیچگونه نازاحتی دانشگاه را رها می‌کنند. از ۳۰ تا ۴۰ درصد باقیمانده هم عده‌ای در سال دوم از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند و حدود ۲۰ درصد دیگر به پایان لیسانس می‌رسند. و از میان فارغ‌التحصیلان دوره لیسانس نیز برای دوره فوق‌لیسانس و دکترای انتخاب می‌شوند. شرایط در فرانسه و آمریکا تا حدودی مثل هم است. دانشگاهها، آزادی و استقلال دارند که بهترین دانشجویها را خودشان انتخاب کنند و به این ترتیب همگونی بین دانشجویان بیشتر است، مخصوصاً در دوره کارشناسی ارشد و دکترای. در زمینه رشته‌های علوم ارتباطات و بخصوص روزنامه‌نگاری با توجه به ویژگیها و حساسیتها، اغلب، گزینشهای خاص هم صورت می‌گیرد. در فرانسه تحصیلات تخصصی از سال سوم آغاز می‌شود و بعد از دوره کاردانی از میان فارغ‌التحصیلان با آزمونهای تخصصی برای رشته روزنامه‌نگاری انتخاب می‌شوند. باید یادآوری کنم که مثلاً در فرانسه در کنار

■ مهدیزاده مسؤول آموزش مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها: دانشجویان این مرکز - غیر از کسانی که از سوی مطبوعات و روابط عمومی‌ها معرفی شده‌اند - در بدو ورود طی مصاحبه‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرند و کسانی که علاقه‌مندترند مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

دانشگاههایی که برنامه عادی علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری را دنبال می‌کنند، مدارس تخصصی روزنامه‌نگاری هم وجود دارد که از طرف انجمنهای مدیران مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی و سندیکاهای روزنامه‌نگاران اداره می‌شوند و مانند سایر مدارس بزرگ فرانسه در رشته‌های علمی و مهندسی، دارای مسابقه ورودی مخصوص و دشواری هستند. به این ترتیب این مدارس خاص - معروف به مدارس بزرگ - از طریق آزمون ویژه خودشان دانشجو انتخاب می‌کنند و مدیران هیأت‌های تحریریه مطبوعات، رادیو و تلویزیون و خبرنگارها با توجه به نقش انجمنها و مدیران و سندیکاهای فعال برای فارغ‌التحصیلان این مدارس روزنامه‌نگاری اولویتهایی قائل هستند و استخدام آنان را بر فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاهها ترجیح می‌دهند - به سبب تخصصی بودن کار و انتخاب خاصی که برای گزینش دانشجو دارند - تجربه تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی سابق نیز از طرف روزنامه‌کیهان تا حدی در همین جهت صورت گرفته بود.

لیسانس علوم ارتباطات
۲. انتخاب دانشجویان دوره کارشناسی ارشد از طرف دانشگاه می‌توان امیدوار بود که سطح کیفی دانشجویانی که وارد دوره‌های بالاتر می‌شوند، ارتقاء پیدا کند. خوشبختانه برای دوره دکترای دو مشکل یادشده وجود ندارد و در رشته علوم ارتباطات هم دانشگاه می‌تواند فقط فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی را انتخاب کند و آزمون انتخاب دانشجو برای دوره دکترای بدون نیاز به کنکور سراسری مستقلاً و مستقیماً انجام دهد. نحوه گزینش دانشجو در کشورهای دیگر نکته دیگری است که دکتر معتمدزاد، به آن اشاره دارد:

در بعضی کشورها کنکور وجود ندارد و برای دوره لیسانس پرونده علمی داوطلبان بررسی می‌شود. در فرانسه عموم داوطلبان می‌توانند وارد دانشگاه شوند. در پایان سال اول امتحان خیلی دقیق و سختی انجام می‌گیرد که معمولاً ۷۰ تا ۸۰ درصد دانشجویان رد می‌شوند و از عهده امتحان بر نمی‌آیند. به

بارزترین شکل کمبود امکانات کار عملی در رشته روزنامه‌نگاری و ضعف آن را باید در نبود یک نشریه دانشگاهی دانست. استادان روزنامه‌نگاری بر لزوم یک نشریه دانشگاهی برای دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری تأکید دارند. دانشجویان این رشته نیز معتقدند که فقط با بودن یک نشریه دانشگاهی، می‌توانند به‌طور عملی به تجربه روزنامه‌نگاری نزدیک شوند. دکتر نعیم بدیعی در این زمینه می‌گوید: «ما بارها گفته‌ایم که دانشکده ما به چنین نشریه‌ای نیاز دارد. این کار در همه دانشگاههای روزنامه‌نگاری مرسوم است. مثلاً در دانشگاههای آمریکا، سردبیر و معاون سردبیر از بین خود دانشجویان انتخاب می‌شوند. بچه‌ها از سال اول به عنوان خبرنگار فعالیت می‌کنند. دانشجویان از بین خودشان یک معاون سردبیر و یک سردبیر انتخاب می‌کنند و یک نفر از استادان که کار حرفه‌ای انجام داده است، به‌طور تمام وقت به عنوان مشاور دانشجویان عمل می‌کند که کارها از زیردست او رد می‌شود. سرمقاله و سقیه مطالب را دانشجویان می‌نویسند و مشاور بیشتر کار مدیریتی می‌کند. ولی این امکانات در اختیار ما نیست. تا وقتی که خود شما مطالبی را که نوشته‌اید، به شکل چاپ شده ببینید، حس نمی‌کنید که اگر طور دیگری می‌نوشتید، بهتر بود. برای انتشار چنین نشریه‌ای دانشجویان فضای روزنامه را تجربه می‌کنند. در حال حاضر اگر امکانات وجود داشته باشد، ما نیروی انسانی را برای این کار داریم. حدود ۳۰۰ دانشجو داریم، توان اجرایی داریم و می‌توانیم نشریه را راه بیندازیم. اگر چنین نشریه‌ای باشد، ضعف جنبه‌های عملی دروس جبران می‌شود. اکثر دانشکده‌های دنیا چنین نشریاتی دارند و در بعضی کشورها، روزنامه‌های دانشجویی حتی با روزنامه‌های شهری رقابت می‌کنند.»

دکتر معتمدنژاد نیز در این باره می‌گوید: «در تمام دنیا برای آموزش روزنامه‌نگاری، دانشگاهها نشریات حداقل هفتگی و اغلب روزانه دارند و حتی در بعضی شهرهای دانشگاهی، دانشجویان روزنامه‌نگاری برای یک شهر یا محله‌های مختلف شهر روزنامه منتشر می‌کنند. قبل از انقلاب که برای علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده مستقل وجود داشت، دانشکده لابراتوارهایی در بعضی زمینه‌ها داشت: مثل آتلیه چاپ، عکاسی،

ادبیات و روزنامه‌نگاری بومی؛ گمشده همه ما

«سولتی‌مدیا»ها «رسانه‌های چندگانه یا چندکاره» با کاهش تیراژ موجه شده است: فیگارو ۴۰۳ هزار نسخه، پاریزین ۳۷۶ هزار و لوموند معتبر و متین فقط ۳۷۵ هزار نسخه در روز تیراژ دارند. فکر می‌کنم که یافتن روزنامه‌نگاری ما - که هنوز مکانیزم جذب مشخصی ندارد - به مکتب سوم شبیه است. به نظر شما، تنها با ورود به دانشکده روزنامه‌نگاری، می‌توان روزنامه‌نگاری موفق شد یا برای شروع آموزش تخصصی، پیشینه‌ای لازم است؟

- اصلاً چنین باوری ندارم. من تحصیل در دانشکده روزنامه‌نگاری را در صورتی موفق و مثبت می‌دانم که در بین دو حلقه از کار عملی قرار گرفته باشد. به این معنی که هم پیش از ورود به دانشکده روزنامه‌نگاری و هم بعد از آن، باید کار عملی وجود داشته باشد. و فقط در این صورت است که هم جذب یافته‌های نظری و هم کاربرد آنها، وزن و معنای حرفه‌ای خود را خواهد یافت.

یک سؤال: روزنامه‌های ایتالیایی سنت جالبی در این زمینه دارند. اگر کسی تمایل به روزنامه‌نگار شدن داشته باشد به سراغ روزنامه‌ها می‌رود و آنها خودشان با شیوه‌های خاص خود، داوطلبان را امتحان می‌کنند و در صورت پذیرش آنان، یک دوره ۱۸ ماهه کارآموزی آغاز می‌شود. و پس از اینکه این دوره سپری شد، «هنجار ملی روزنامه‌نگاران» (National Order of Journalists) یا در واقع «سازمان نظام صنفی روزنامه‌نگاران» که نهاد حاکم بر روزنامه‌نگاری در ایتالیا است از این عده که دوره کارآموزی را سپری کرده‌اند، امتحان می‌گیرد و کسانی که در این امتحان موفق شوند، از سوی روزنامه‌ها به استخدام در می‌آیند ضمناً مالکان و سردبیران روزنامه‌ها در ایتالیا علاوه بر این سنت جالب یک ضرب‌المثل جالب‌تر را هم در مورد روزنامه‌نگارانی که با این شیوه استخدام

- پیونس شکرخواه، کارشناس ارشد ارتباطات، مترجم و مدرس ارتباطات و روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری علم است یا هنر، یا آمیزه‌ای از هر دو یا...؟

- به نظر من زمان گمانه‌زنی در قبال چنین پرسشی سپری شده است. در حال حاضر سه مکتب عمده در پاسخ به این پرسش که «روزنامه‌نگاری علم است یا هنر؟» شکل گرفته است:

الف. مکتب آمریکا: این مکتب به روزنامه‌نگاری آکادمیک یعنی دانشگاهی معتقد است. پیروان این مکتب بر این باورند که روزنامه‌نگار باید فارغ‌التحصیل دانشگاههای روزنامه‌نگاری باشد. انسجوهی این نوع روزنامه‌نگاران در آمریکا، گواه آشکار این گرایش است.

ب. مکتب انگلیس: این مکتب، روزنامه‌نگاری را کاری هنری و ذوقی میداند و معتقد است که روزنامه‌نگاران باید هنر و فرهنگ این بهانه را در جریان کار عملی فرا بگیرند و بنابراین برای روزنامه‌نگار شدن الزاماً آموزش تخصصی لازم نیست.

ج. مکتب فرانسه: آمیزه دو مکتب فوق است. در این مکتب، روزنامه‌ها، باید نیروهای خود را از «آژانس ملی کار» فرانسه تأمین کنند. مکتب فرانسه در حقیقت هم نیروهای دانشگاه‌دیده و هم نیروهایی را که دارای شم حرفه‌ای هستند، به کار می‌گیرد البته باید گفت که در فرانسه، که با گزرت تشوفاست رنه‌دو در سال ۱۶۳۱ وارد میدان حرفه‌ای مطبوعاتی شد، نیروهایی که تحصیلات روزنامه‌نگاری دانشگاهی ندارند حالا پس از ۳۶۳ سال عملاً در سرزمینی به سر می‌برند که فقط دارای ۲۳۰ نشریه تخصصی در زمینه‌های روزنامه‌نگاری، اطلاعات و ارتباطات است. بگذریم که الآن همین مکتب مستحاط هم به‌خاطر وجود و ظهور

صفحه‌آرایی و نیز بعضی امکانات فیلمبرداری و ویدئویی. اما بعد از انحلال دانشکده و تعطیل رشته، این امکانات از میان رفت. در دوره‌ای هم که ارتباطات به عنوان گرایشی از علوم اجتماعی فعال بود، برای تجدید این امکانات، اقدامی صورت نگرفت.

در سالهای اخیر که رشته علوم ارتباطات استقلال پیدا کرده و در دو شاخه روزنامه‌نگاری و روابط عمومی دانشجو پذیرفته است، باید هرچه زودتر خلاء امکانات اخیر پر شود.

مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها

مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها یکی از مراکزی است که از سال ۱۳۶۸ با برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت، آموزش روزنامه‌نگاران را برعهده گرفته است. اما آنچه درباره این مرکز با گزارش ما ارتباط پیدا می‌کند نحوه گزینش دانشجو برای دوره‌های کوتاه‌مدت است. با این تأکید که آیا داوطلبان از نظر میزان ذوق و استعداد و یا آمادگی لازم برای ورود به این دوره سنجیده می‌شوند یا خیر؟

سیدمحمد مهدی‌زاده مسؤول اداره آموزش مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها در این باره می‌گوید:

«این مرکز در واقع برای آموزش نیروهای شاغل در مطبوعات، روابط عمومی‌ها، سازمانهای تبلیغاتی و چاپ و نشر تشکیل شده است. ما امتحان ورودی نداریم. اما مصاحبه ورودی داریم. برای کسانی که از سوی روابط عمومی‌ها و مطبوعات معرفی می‌شوند، فیلتر خاصی نیست، ولی داوطلبان آزاد را می‌سنجیم تا کسانی که علاقه‌مندتر هستند، انتخاب شوند. ما داوطلبانی داریم که موفق نمی‌شوند به این دوره‌ها وارد شوند، چونکه استقبال زیاد است و فضای آموزشی محدود و ما هم ناگزیر هستیم که این محدودیتها را رعایت کنیم. بنابراین این‌طور نیست که هرکس داوطلب باشد، بتواند در این دوره‌ها تحصیل کند.»

● مصاحبه با داوطلبان را چه کسانی انجام می‌دهند؟

— همکاران آموزشی در اداره آموزش

● آیا ضابطه مدونی برای این مصاحبه

وجود دارد؟

— ما آیین‌نامه داریم و داوطلبان پس از

موفقیت در مصاحبه حضوری، ثبت‌نام می‌کنند.

● برای مطبوعاتیها هیچگونه گزینشی که ذوق و استعداد آنها را مورد سنجش قرار دهد، ندارید؟

— خیر. اینها چون شاغل هستند. با معرفی‌نامه‌ای که می‌آورند، ثبت‌نام می‌شوند. نظر ما این است که کسانی که کار می‌کنند و حداقل علاقه‌ای هم دارند، اطلاعات تئوریک هم کسب کنند.

● یعنی صرف حضور در مطبوعات و معرفی شدن از جانب نشریات برای شرکت در این دوره‌ها کافی است؟

— بله و البته این نظر درست است که صرفاً بودن در مطبوعات نشانه علاقه آنان به روزنامه‌نگاری نیست. اما تصور ما این است که ضرورت آموزش را مسؤولان نشریه حس کرده‌اند که فردی را معرفی نمودند.

● آیا انعطاف لازم برای تغییر بعضی از دروس در مرکز وجود دارد؟

— بله. اینجا فرمهای نظرخواهی داریم، و هم از استادان و هم از دانشجویان نظرخواهی می‌کنیم. و براساس پاسخها - در صورت لزوم - در دروسهای هر ترم تجدیدنظر می‌کنیم یا درسی را جایگزین درس دیگر می‌نماییم.

● آیا یا مراکز معرفی‌کننده ارتباطی دارید که میزان موفقیت فارغ‌التحصیلان را بسنجید؟

— نه، ارتباط چندانی نداریم. اما استقبال روزافزون نشریات از کلاسهای مرکز نشان می‌دهد که آموزشها موفق بوده است. در مورد داوطلبان آزاد نیز باید گفت که بعضی از آنان جذب مطبوعات شده‌اند.

حاشیه:

۱. روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری. دکتر محسنیان‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.
۲. همانجا.
۳. «نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران». رسانه، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۹): ۱۳-۸.
۴. «عوامل بازدارنده در رشد مطبوعات». محمدرحیم آل‌ابراهیم، رسانه، سال ۴، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۲): ۹۵-۹۲.
۵. روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری.
۶. همانجا.
۷. «نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران». رسانه، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۹): ۱۳-۸.
۸. «اهمیت مقام مطبوعات و لزوم تشکیل دوره لیسانس روزنامه‌نگاری دانشگاه تهران». ذبیح‌الله صفا، تحقیقات روزنامه‌نگاری، سال ۱، ش ۱ (دی‌ماه ۱۳۴۴): ۲.
۹. همانجا.
۱۰. همانجا.
۱۱. «نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران». رسانه، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۶۹): ۱۳-۸.
۱۲. همانجا.
۱۳. روزنامه‌نگاری. دکتر کاظم معتمدزاد (و) دکتر ابوالقاسم منصفی، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸ (ج ۲).
۱۴. روشهای مصاحبه خبری. دکتر محسنیان‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
۱۵. همانجا.